یادداشت اشتغال

اشتغال عمومی، تورحمایتی بحران بی‌کاری

فریبرز مسعودی . روزنامه‌نگار

بی‌کاری مشکلی چندوجهی است که به‌سرعت از فرد بی‌کار گذر کرده و اقتصاد، سیاست و جامعه را فرا می‌گیرد. به این معنی که نه‌تنها شخص و خانواده فرد بی‌کار را زیر فشار مالی و عصبی قرار می‌دهد بلکه در صورت تداوم این وضع، فرد بی‌کار دچار بحران هویتی شده که به نوبه خود باعث بروز بزه‌های اجتماعی و فردی مانند دزدی، فساد، فقر، بیماری‌های عصبی و روانی، جریان‌های رادیکال، حاشیه شهرها بر اثر کوچ به حاشیه شهرها و درنهایت شورش، بلوا و آشوب می‌شود. متأسفانه کشور ما هم‌اکنون با یک بحران تمام‌عیار بی‌کاری روبه‌روست. بحرانی به این ابعاد که جامعه ایرانی با آن سروکار دارد، معمولا بر اثر جنگ‌های طولانی، بحران‌های بزرگ طبیعی مانند خشک‌سالی یا بروز بیماری‌های گسترده واگیردار ایجاد می‌شود. زمینه‌های بی‌کاری گسترده در ایران در بی سیاست‌های درازمدت آزادسازی اقتصادی، خصوصی‌سازی و مالی‌سازی ایجاد شده و بر اثر تداوم بحران اقتصادی به‌صورت یک سونامی جامعه را تهدید می‌کند. ازاین‌رو بایستی سیاست‌مداران به این موضوع توجه داشته باشند که در برابر چنین بحرانی نمی‌توان با اجرای سیاست‌های ساده و معمول اقتصادی دست‌وپنجه نرم کرد. در این زمینه بانک جهانی که خود بخشی از «اجماع واشنگتن» است، برنامه «اشتغال عمومی» را به‌عنوان یکی از کارآمدترین شیوه‌ها برای مقابله با بحران بی‌کاری مطرح کرده. «اشتغال عمومی» با تجربه اجرا در کشورهای مختلف درحال‌توسعه با توسعه‌یافته و تأثیر در کاهش بی‌کاری در این جامعه‌ها چشم‌انداز مناسبی فراروی سیاست‌مداران و اقتصاددانان کشورهای درحال‌توسعه قرار می‌دهد. برنامه «اشتغال عمومی» در واقع یک تور حمایتی است که از سوی دولت با هدف ایجاد اشتغال موقت، هم‌زمان با اجرای پروژه‌های زیربنایی و ارائه خدمات اجتماعی در مناطق محروم و برای لایه‌های آسیب‌دیده‌تر اجرا می‌شود. در این برنامه دولت بدون آسیب‌واردکردن به سازوکار بازار به ایجاد اشتغال می‌پردازد. البته پیش از ورود به بحث اشتغال عمومی نیاز به بررسی علل بروز بی‌کاری گسترده در ایران و زمینه‌های آن داریم.

مقررات‌زدایی و اقتصاد ماهی‌تک

در نتیجه پیشرفت صنایع ماهی‌تک و فناوری تولید، بخش زیادی از نیروهای کار در صنایع و خدمات سنتی دچار ریزش شدند که به سختی در شاخه‌های دیگر کار جذب شدند. از سوی دیگر بسیاری از کشورهای غیرصنعتی برای جذب سرمایه‌گذاری شرکت‌های فراملی تلاش کردند تا با ایجاد شرایط وسوسه‌برانگیز زمینه سرمایه‌گذاری خارجی را در کشورهای خود فراهم کنند. یکی از این شرایط مقررات‌زدایی و برداشتن چترهای حمایتی از نیروی کار و در نتیجه کاهش قیمت نیروی کار بود. با اجرای این سیاست‌ها در کنار صنعتی‌شدن گسترده کشاورزی در کشورهای عمدتا کشاورزی مناطق شرق آسیا و حتی کشورهای اروپای شرقی نیروی عظیمی از کار آزاد شد که میزان سرمایه‌گذاری انجام‌شده توسط شرکت‌های فراملی و معدود سرمایه‌گذاران داخلی نمی‌توانست آنان را جذب کند. مقررات‌زدایی در صنعت نیز باعث شد انحصارهای مالی به‌تدریج بر بخش صنعت برتری و چیرگی یافته و در یک سازوکار معیوب با تعطیلی صنعت روزبه‌روز بر تعداد کارگران می‌کاهند افزوده شود.

اقتصاد خاکستری

سیاست تعدیل ساختاری که از دولت سازندگی اجرای آن در ایران آغاز شد و به دلیل پیامدهای دردناک و بحران‌زای اقتصادی و اجتماعی تا حدودی در سال‌های پایانی دولت دوم سازندگی ترمز آن کشیده شد، سرانجام توسط دولت‌دوم‌وزیر دولت اصلاحات با رویکرد مقررات‌زدایی از نیروی کار، صندوق‌های بیمه و بازنشستگی و تعریف روانه از اصل ۴۴ و ۴۳ قانون اساسی ادامه یافت تا زمینه‌های لازم را برای اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی و آزادسازی اقتصادی فراهم کند؛ دولت مهرورزی با چیترین شعارها به نام ایجاد عدالت اجتماعی، مقابله با انحصارها و مبارزه با فساد و اشرافی‌گری، راست‌ترین و ناعادلانه‌ترین سیاست‌های اقتصادی را در ایران اجرا کرد که در کمتر اقتصاد نظامی دیده شده بود. در نتیجه اجرای این سیاست‌ها، هلدینگ‌ها و شرکت‌های بزرگی پدیدار شدند که ثروت عظیم آنان عمدتا به صورت رد ویژن دولتی به این انحصارها گرد آورده شده است. این انحصارها که بعدها به‌عنوان کارفرمای اقتصاد ایران نقش‌آفرینی کرده و دولت را وابسته به خود کردند، دخل‌وخرج و حساب‌وکتاب روبه‌روشدن نداشته، مالیات‌گیری از اصول اصلی آنهاست و عمدتا در بخش بانکداری، خدمات، ساخت‌وساز و سفته‌بازی و دلالی فعالیت می‌کنند. با فربه‌شدن این بخش خاکستری انحصاری که با ایجاد هلدینگ‌های سپاه مدعا شرکت را در اختیار گرفتند و با دست‌اندازی به اعتبارات دولتی به سرمایه‌گذارد و درنهایت تبدیل دولتی‌ها به‌ناچار بیشتر بدهی دولتی را به‌بدنه دولت گسترده‌تر کردند. درواقع این هلدینگ‌ها اگرچه در آغاز کار در محیط و بطن صنعت و با دریافت سرمایه صنایع دولتی به‌عنوان برداخت بدهی دولتی به آنها افتادند اما به‌تدریج با گرایش به سمت انباشت هرچه بیشتر سرمایه به واردات، تجارت پول و سوداگری در ممکن، املاک و زمین‌خواری رو کردند و در مدت کوتاهی تقدیمکی عظیمی گرد آوردند که بهم‌پیوار بر سر اقتصاد ایران گرد شده و کاهی به بار ماکر مسکن که به ارز و طلا بورش برده و بحران‌های بزرگی برای اقتصاد و در نتیجه مردم ایجاد می‌کند. سود بالای این‌گونه فعالیت‌ها منجر به صنعت‌زدایی و تشدید پیامد آن یعنی بی‌کاری گسترده نیروی کار می‌شود. در این میان فیش‌واری نیروی کار نیز در دستور کار قرار می‌گیرد. به این معنی که نیروی کار که هزینه درمان آن کمتر از تأمین حقوق و هزینه‌های لازم برای زندگی است، به‌عنوان مقصر اصلی افزایش هزینه‌ها به شمار رفته، با کاهش واقعی دستمزدها نسبت به خط فقر و تورم همچنان بیرون کار مانده و در فقر و فلاکت نگه داشته می‌شود. از سوی دیگر با کاهش سود تسهیلات بانک‌های عمدتا خصوصی از ۲۵ درصد به ۱۸ درصد شاهد کوچ نقدینگی به سوی خانه‌های لوکس، خودرو و از سوی به سکه هستیم که خود از اثرات صنعت‌زدایی و چیرگی سرمایه مالی بر صنعت است. صنایع مالی‌محور پیدا کرده بودند. همان‌گونه که عرض کردم ایرانیان با مدرنیته، از طریق صنعت آشنا شدند. نه تنها صنعتی و این مسئله رفاه‌زدایی و نابسامانی‌های متفاوتی را در جامعه ایجاد کرد. زان پرداز در کتاب «صورت‌بندی مدرنیته و پست‌مدرنیته» یک استدلال درکه خیلی قشنگ است. «در جامعه‌ای که بر مبنای مصرف سازمانده‌می‌شد است و نه بر مبنای اصول تولید. مقولات اقتصادی نظیر نیازمندی‌های مادی، عرضه و تقاضا، تورم، بحران رکود، بی‌کاری، توزیع سود دستمزد و... برای تجزیه و تحلیل جامعه و کارکرد آنها کلاما نامناسب و غیرموثر است. اکنون هم مشاهده می‌کنیم که ارز و نقدینگی را نمی‌شود با به‌کارگیری فرمول‌ها کنترل کرد زیرا بسیار قاعده‌گذاری در جهان فرسوده شده است.

بانکداری

روبرد بانک‌های خصوصی به اقتصاد همراه با سیاست‌های مقرراتزدایی در مکزیک در دهه ۱۹۹۰ باعث بروز بحران اقتصادی شد و گرفتار و درنتیجه بانکداری گسترده مردم شد. همچنین در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ باعث جیبی‌شدن بخش مسکن و سپهام زمین شد که در طول آن قیمت‌ها بی‌بشدت افزایش یافت و به‌طور مثال شاخص نیکی از ۱۰ هزار واحد در سال ۱۹۸۵ به حدود ۳۹ هزار در سال ۱۹۸۹ جهش کرد.

ادمه در صفحه ۹

یک پژوهشگر توسعه از ردپای پررنگ افراد فاقد صلاحیت در تصمیم‌سازی‌ها سخن می‌گوید

حکمرانی تاجرباشی‌ها

لیلا مرکن

عکس: روح‌الله رحمانی

صنعت ایران حال و روز خوشی ندارد. با وجود آمارهای درخشان از رشد ایجاد واحدهای صنعتی، مشکل بی‌کاری هنوزبه قوت خود باقی است و نمونه‌های وارداتی کالاهای ساخت داخل را در بازار به وفور می‌توان دید. بـا افزایش قیمت ارز، بهای کیـک و کلوچه وطنی هم افزایش می‌یابد و هیچ‌کس پاسخ‌گوی این پرسش نیست که چرا وقتی تمام مواد اولیه یک محصول از داخل تأمین می‌شود، باید تغییر قیمت ارز روی آن تأثیرگذارد. اما سـیدمحمد بحرینیان، پژوهشگر توسعه، برای بخشی از این پرسش‌ها پاسخ‌هایی ارائه می‌کند. به گفته او، مجوز ایجاد واحدهای تولید گسـتانتره و آسـیب‌ها به ظاهر با هدف کاهش میزان ضایعات محصولات کشـاورزی در دسـتور کار قـرار می‌گیرد، نه‌تنها چندین برابر بیش از حد نیاز کشـور است بلکه از خطوط تولید تا تأمین بخشـی از ماده اولیه و حتی کاغذ بسته‌بندی این واحدها به ارز وابسته است به همین دلیل نه‌تنها دلارهای حاصل از فروش نفت تکافوی نیازهای ارزی کشور را نمی‌کند بلکه از آنجا که تعداد واحدهای صنعتی در ایران بیش از حد نیاز اسـت. حتی روی بازارهای صادراتی هم تأثیر گذاشته و تولیدکنندگان ایرانی با قیمت روی قیمت گذاشتن، بـازار محصول ایرانی در خارج از کشـور را هم خـراب می‌کنند. این پژوهشگر توسعه، حضور بررنگ تاجرباشـی‌ها و افرادی را که اصلا در تصمیم‌سـازی ندارند، عامل بروز بلشـویک فعلی در صنعت ایران می‌داند و بر این باور اسـت که ایرانیان مدرنیته را با مصرف شناخته و مصرف‌گرا شده‌اند. به همین دلیل دروازه‌های ایران به روی واردات بازار اسـت و دولت‌های غربی هم که این روحیه را شناخته‌اند، ترجیح می‌دهند صنعت ایران کوتوله باقی بماند تا به راحتی از گردونه رقابت خارج شود. به اعتقاد بحرینیان، صنعتی که خط تولید آن با تکنولوژی متوسط رو به پایین فعال اسـت، محصول کران بی‌کیفیتی تولید می‌کند کـه نمی‌تواند به‌راحتی وارد بازارهای جهانی شـود. به همین دلیل با وجود قرصت‌های متعدد در اطراف ایران و به‌ویژه در روسیه و عراق، ما نتوانسته‌ایم از شـرایط به نفع خود بهره ببریم. مشروح گفت‌وگو با سیدمحمد بحرینیان پژوهشگر توسعه با «شرق» را در ادامه می‌خوانیم.

چـرا اقتصاد ایران در بخش تولید ناتوان اسـت و رکود بخش صنعت ناشی از چیست؟

بحث زیـادی در ارتباط با دلایـل ناتوانی تولید مطرح می‌شـود. خیلی‌ها بحثی که می‌کنند این اسـت که ما کرفتار نحـبی منابع شده‌ایم و درآمدهای نفتی ما نقش موثر و کرآمدی در تولیدات و صنعتی‌شدن کشور نداشته اسـت. این به سابقه تاریخی بلندمدت کشور بازمی‌کردد. به‌ویـژه این واقعیت که کشـورمان در طلایی‌ترین نقطه اسـتراتژیک جهان قرار دارد و دارای اقلیم و منابع زیرزمینی متنوع اسـت. از همین رو همیشـه با تهاجم‌های همه‌رنتنه و طمع کشورهای دیگر مواجه بوده‌ایم. از زمان سـلجوقیان هم این شـرایط بر اقتصـاد ایران حاکم بوده اسـت. برادران شـرلی که زمان صفویان به ایران آمدند، مطامع انگلیسـی‌ها را تعقیب می‌کردند. آخرین صدمات مهلک به کشور به دوران قاجـار بازمی‌کردد. اصولا حکومت‌هایـی متعدد که با ماهیت ایلیاتی و عشـایری در ایران تشکیل شدند، باعث عقب‌ماندکی تاریخی کشـور از علوم مختلف بوده‌اند. بلاهت‌هایی که حاکمان کشور در آن زمان داشـتند و توهمات قدرت آنها، مجموعا باعث شده که کشور دراثر جنگ بدهد. این جنگ‌ها اثرات مخـرب اقتصادی مهلک خود را تاکنون داشـته اسـت. آخرین جنگ‌ها قبل از تشکیل و شکل‌کیری تقلیدی دولت مدرن در کشـورمان، به زمان فتحعلی‌شاه بازمی‌کردد. فرارداد ترکمانچای فقط سـرزمین را از ایرانیان نکرفت، بلکه شـیوه زندکی ما را خراب کرد و کشـوری را کـه در زمان صفویان با تـدوین سربلند بود، با سیاسـت عقب‌مانده و تردادن به استثمار غیرمستقیم به عقب رانده و باعث بسـیار رشـت و زیان‌باری را در کشـور رواج داد که این عادات هنوز هم برقرار اسـت. قرارداد ترکمانچای سـوای ازدسـت‌رفتن سرزمین، دو خطر را خراب بازار را برای ما ایجاد کرد. این قرارداد چنان شـرایط استعماری را فراهم کرد که به دولت‌های جاکزار ایجاد نمی‌داد بیش از نیخ درصد برای ما رفع کنند. این انحصارها که بعد به‌عنوان کارفرمای اقتصاد ایران نقش‌آفرینی کرده و دولت را وابسته به خود کردند، دخل‌وخرج و حساب‌وکتاب روشن نداشته، مالیات‌کیری از اصـول اصلـی آنهاسـت و عمدتا در بخـش بانکـداری، خدمات، ساخت‌وسـاز و سـفته‌بازی و دلالی فعالیت می‌کنند. با فربه‌شدن این بخش خاکسـتری انحصاری که بـا ایجاد هلدینگ‌هایی سـپاه مدعا شـرکت را در اختیار کرفتند و با دسـت‌اندازی به اعتبـارات دولتی به سـرمایه‌کزارد و درنهایت تبدیل دولتی‌ها به‌ناچار بیشتر بدهی دولتی را به‌بدنه دولت کسترده‌تر کردند. درواقع این هلدینگ‌ها اکرچـه در آغاز کار در محیط و بطن صنعت و با دریافت سـرمایه صنایع دولتی به‌عنوان برداخت بدهی دولتی به آنها افتادند اما به‌تدریج با کرایش به سمت انباشـت هرچه بیشتر سرمایه به واردات، تجارت پول و سـوداکری در ممکن، املاک و زمین‌خواری رو کردند و در مدت کوتاهی تقدیمکی عظیمی کرد آوردند که بهم‌پیوار بر سـر اقتصاد ایران کرد شده و کاهی به بار ماکـر مسـکن که به ارز و طلا بورش برده و بحران‌های بزرکی برای اقتصاد و در نتیجه مردم ایجاد می‌کنـد. سـود بالای این‌کونه فعالیت‌ها منجر به صنعت‌زدایی و تشدید پیامد آن یعنی بی‌کاری کسـترده نیروی کار می‌شـود. در این میان فیش‌واری نیروی کار نیز در دسـتور کار قرار می‌کیرد. به این معنی کـه نیروی کار که هزینه درمـان آن کمتر از تأمین حقوق و هزینه‌های لازم برای زندکی اسـت، به‌عنوان مقصر اصلی افزایش هزینه‌ها به شمار رفته، با کاهش واقعی دسـتمزدها نسـبت به خط فقر و تورم همچنان بیرون کار مانده و در فقر و فلاکت نکه داشـته می‌شود. از سـوی دیکر با کاهش سـود تسـهیلات بانک‌هـای عمدتـا خصوصـی از ۲۵ درصد به ۱۸ درصد شـاهد کوچ نقدینکی به سـوی خانه‌های لوکس، خودرو و از سـوی به سـکه هسـتیم که خود از اثرات صنعت‌زدایی و چیرکی سـرمایه مالی بر صنعت اسـت. مالی‌محور پیدا کرده بودند. همان‌کونه که عرض کردم ایرانیان با مدرنیته، از طریق صنعت آشنا شدند. نه تنها صنعتی و این مسئله رفاه‌زدایی و نابسامانی‌های متفاوتی را در جامعه ایجاد کرد. زان پرداز در کتاب «صورت‌بندی مدرنیته و پسـت‌مدرنیته» یک اسـتدلال درکـه خیلی قشـنک اسـت. «در جامعه‌ای که بـر مبنای مصرف سازمانده‌می‌کند است و نه بر مبنای اصول تولید. مقولات اقتصادی نظیر نیازمندی‌های مادی، عرضه و تقاضا، تورم، بحران رکود، بی‌کاری، توزیع سـود دسـتمزد و... برای تجزیه و تحلیل جامعه و کارکرد آنها کلاما نامناسـب و غیرموثر اسـت. اکنون هم مشاهده می‌کنیم که ارز و نقدینکی را نمی‌شـود با به‌کارکیری فرمول‌ها کنترل کرد زیرا بسـیار قاعده‌کذاری در جهان فرسوده شده است.**

اینکـه ما مدرنیته را با مصرف شـناختیم و کالاهای خارجی در ایران فراوان وجود مـی‌شـود، می‌تواند بـه‌ایجاد‌ی امور‌و‌ع‌م‌ به اقتصاد کالای تولید داخل باشد؟

بله. اصلا این تاجرباشی‌هایی که بودند و رک و ریشه‌های آنها هنوز باقی مانده اسـتی‌کذارند. شرایط خیلی کجـد. چند مثال می‌زنم که بدانید کشور کرفتار چه بلاتکلی شده است. مثلا در آن سال‌ها کارخانه کبریت تأسـیس شده بود، اما کبریت سـودی را به قیمت تاجیز بنج قراشه در مزر عراق فعلی عرضه می‌کردند. درحالی‌که کبریت ایرانی یک کران تمام می‌شد و همه می‌کفتند کالای تبلط داخل کران‌تر است و کرایش به سمت کالای خارجی بود.

چرا کالای تولید داخل همیشـه کران‌تر از محصولات وارداتی است؟ با وجود آنکه دولت‌ها و مجلس‌ها همیشه ادعا کرده‌اند که کمک‌های زیادی به واحدهای تولیدی می‌کنند؟

این ادعاها به کمانم بیانه علمی و اسـتنادات کافی ندارد. به نظرم ریشـه پاسخ سـؤال شـما را باید در این واقعیت دید که ما مسـئولان تصمیم‌کیر اقتصادی با سطح اهلیت حرفه‌ای بالا و کرآمد نداشته‌ایم. به‌جز چند دوره محدود، کشـور ما نتوانسته افرادی با جنین اهلیتی را در اختیار داشـته باشد. سخنی را سـر آرتور لوئیس اقتصاددان شهیر مطرح می‌کند. او جایزه نوبل اقتصاد را هم کرفته اسـت. او در کتاب «برنامه‌ریزی توسـعه» می‌کوید: «وضع در آسـیا جز این است. هزینه دانشـکاه در آسـیا تا حدی به علت کمی حقوق اسـتادان دانشکاه و تا اندازه‌ای به این دلیل که نسـبت شاکرد به استاد به‌طور غیرطبیعی زیاد است، پایین است. بسیاری از دانشکاه‌های آسیا تعداد بی‌شماری دانشـجو دارند. همین کثرت تعداد دانشـجو به زیان اسـتادردهای آنهاسـت. در نتیجه همه‌سـاله انبوهی فارغ‌التحصیل بی‌مایه را حتی زاید بر میزان تقاضای جاری روانه بازار کار می‌کنند».

واژه به‌کارکرفته بی‌نظیر ایشان، یعنی فارغ‌التحصیلان بی‌مایه را در نظر داشته باشید. در تصمیم‌سازی‌های اقتصادی کشور، ممکن است افراد صلاحیت سیاسی و امنیتی داشته باشند و احتمالا آدم‌های خوبی هم باشـند و هیچ‌کوله وابسـتکی به دی‌نفعان هم نداشته باشند، اما می‌توان با توسل به علل سلیم و تجارب کاربردی، مشاهده کرد که در تصمیم‌کیری‌ها اتخاذشـده، بعضی افراد اهلیت حرفه‌ای ندارند. بنابراین وقتی در مکان تصمیم‌کیری می‌نشسـتند، مشکل‌سـاز می‌شـود. این افراد بدون اهلیت حرفه‌ای اکر خود ذی‌نفعان نباشـند، به‌راحتی می‌توانند از ذی‌نفعان و بقایای تاجرباشـی‌ها تاثیرپذیر باشـند. این را باید خوب توجه کرد. در جامعه‌ای که با تحریم‌های سـنکین روبه‌رو بوده، براساس عقل سلیم نباید خودرو وارد کرد، ولی غیرعقلانی رفتار می‌شـود. زیرا جامعه بر مبنای مصرف پاسخ‌کذاری شـده و طبق آنچه نفیو درکتاب هنر تحریم‌ها ذکر کرده، از همین‌کونه اشـتباهات مهلک حداکثر بهره‌برداری را کرده‌اند. بنابراین معتقدم حداقل وجه زیادی از تصمیم‌کیری‌های اقتصادی کشور در ۹ دهه کذشته به‌جز دوران‌های خاص -که البته در این دوران‌ها هم کاهی اشـتباهاتی صورت کرفته، اما کفتمان غالب و اتخاذ تصمیمات منطقی‌تر بوده اسـت- منطبق بر عقل سـلیم نبوده‌اند و به همین دلیل دَغلِ عفونی این‌کونه اشتباهات اکنون سر باز کرده است.

دوره‌هایی که عقلانیت بیشتری بر تصمیم‌کیری‌های اقتصادی ایران حاکم بود، کدام دوره‌ها هستند؟

دوران ملی‌شـدن صنعت نفت، سـال‌های ۳۱ تا ۳۷ و سـال‌های ۵۶ تـا ۶۷ دوران‌هایی بودند که عقلانیت بیشـتری بر تصمیم‌کیری‌ها حاکم بود و بسـیاری از جنبه‌ها در آنها لحاظ می‌شد. در واقع تصویر باتوراماسای ایران را باید به صورت جندبعدی دید و به نیابه تک‌بعدی و تک‌سـببی اقتصـاد را نبینیم. اقتصاد در کین مبتنی بر مصرف شکل کرفت و نحسی منابع نفت هم دامان ما را کرفته است. اکر نفتی اجتماعی تاجرباشـی‌ها مدرن را هـم در نظر نکیریم، باید کفت منابع عظیم حاصل از نفـت را عموما تلف کرده‌ایم و این منبع عاملِ عقب‌ماندکی کشور، رانت و فساد تبدیل شد. از سوی دیکر در همین بحث کجای شـما نمی‌توانید نقطه استراتژیکی مناسب ایران بیابید که صاحب موقعیت خوبی باشد و این همه مسـابه در اطراف داشته باشـد. آمریکا یک همسایه در شمال و یک همسـایه در جنوب دارد. روسـیه در یک موقعیت شـمال را دارد و می‌سوی دیکر هم کشورهای اسـیایی واقع شده‌اند. جین همه همسایکانش یک طرف افتاده و یک طرفش هم دریاسـت. ما همسـه همسـایه خـداداد‌ی را داریم. اما تأسفبار اسـت که چنین سهم ناجیزی در اقتصاد جهان داریم.

با توجه به این موقعیت اسـتراتژیک حجم صادرات ایران به دیگر نقاط جهان چقدر است؟

در سـال ۱۳۹۵ صـادرات کالاهای بـه اصطـلاح غیرنفتی ایران حدود ۳۴ میلیارد دلار بوده که شـامل پنج‌میلیارد ۵۰۰ میلیون دلار کالاهای سـنتی کشاورزی و یک‌میلیارد ۱۰۰۰ میلیون دلار خام‌فروشی کالاهای کانی فلزی بوده است.

کالاهـای صنعتی از قبیل کفش، پوشـه، مقیـوس آماده، سـیمان، خاک و کچ، چـرم، فلش مامشـینی، مسـس و روی و امثال آن حدود شـش‌میلیارد دو میلیون دلار بـوده و بقیه، یعنی ۲۴میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار، سـایر کالاهای پتروشـیمیایی و عموما خام‌فروشی هستند.

در فهرسـت صادراتی خود، کالاهای اسـاسی داریم؟ با توجه به وجود تعدد زیـادی کارخانه تولیدکننده لوازم خانگی، خودرو... محصولات این واحدها را به خارج صادر نمی‌کنیم؟

خیـر؛ چون کالاهایی به ندرت در فهرسـت صادراتی ایران وجود دارد. همه این کالاها را حسـابکی ما نیـز لازم دارند. اما ما قادر به صادرات نیستیم.

از ارزش صادرات ایران به کشورهای همسـایه چقدر است؟

در سـال ۲۰۱۷، کل واردات کشورهای همسـایه ایران حدود هزار میلیارد دلار و سـهم ایران از این میزان واردات حدود ۲۵.۵ درصد بود که اسـت که این رقم نشانی واضح از تاثرآمدی اقتدار ماست.

ما در بحث صـادرات خیلی ناکرآمد هسـتیم. اما محوری‌ترین صادرشـده برای واحدهای تولید صنعتی را با تکیه بر بازارهای همسـایه‌مان چیست. چرا این همه محوری‌ماند صادر می‌کنیم؟

عموما کشـورهای جهان سـوم و عقـب‌مانده با کمبود دانش و دفر و نظـری و مدیریت کرفتار هسـتند، همان جیزی کـه آرتورلویس در کتابش می‌کوید، فارغ‌التحصیلان بی‌مایه‌ای که اهلیت حرفه‌ای ندارند و ممکن اسـت در مسـند تصمیم‌کیری اقتصادی نشسـته باشند. اینها کرچه ممکن اسـت آدم‌های خوبی باشند و اهلیت سیاسی و اجتماعی ممکن را داشته باشند، اما اهلیت حرفه‌ای ندارند. در کشورهای دیکر مانند معجزه‌کران شرق آسیا، برای این کمبودهای مهلک راه‌حل‌های نانی را به کار کرفته‌اند که نتایجشان هم در مقابل مهلک راه‌حل‌ها قابل‌توجه بوده است.

اینکـه ما مدرنیته را با مصرف شـناختیم و کالاهای خارجی در ایران فراوان وجود مـی‌شـود، می‌تواند بـه‌ایجاد‌ی امور‌و‌ع‌م‌ به اقتصاد کالای تولید داخل باشد؟

بیوپولیسم که عوام‌کرایی هم در آن بی‌ارزیاسـت، چنین شـرایطی را ایجاد کرده اسـت. ممکن اسـت ذی‌نفعان در نقاط تصمیم‌کیری دولتی و مجلسـی حضور داشته باشند و به این شـرایط دامن بزنند. چرا کره پنج خودروسـاز دارد؟ چرا تلویزیون‌سـاز آنها فقط الجی و سامسـونک اسـت؟ عقل این کشـورها نمی‌رسـد مثل ما بیش از ۳۴ واحـد دارای پروانه بهره‌برداری تولید تلویزیون و۳۳ واحد در دسـت اجرا داشته باشند؟ کشورهای توسعه‌یافته شرکت‌های کوتوله را لازم دارنـد که بتوانند هر زمان که می‌خواهند، از سـوی تاجرباشـی‌هایی احتمالی مدرن و تبلیغات هاطرفریب رایت‌کیری کنند. کره اسـت. ما را در کشـور مصرف‌کننده، معرور مقاصد خود کنند. توان ما هم یک صورت‌بندی عوام‌کرایانه درنحـی مدیریت می‌کند و می‌کوید نباید انحصار داشته باشـیم. این قاعده را اقتصاد غرب هم رعایت نمی‌کند. اکر انحصار خوب نیسـت، چرا فقط یک فیسـبوک و مایکروسـافت داریم؟ از شـعار مبارزه با انحصار، کفر ابلیس درسـت کرده‌ایم. بزار از همه این است که عموم صنایع ما با فناوری پایین و متوسط رو به پایین کار می‌کنند. چهار سـطح فناوری در دنیا وجود دارد، اما حدود ۹۵ درصد صنایع ایران با فناوری متوسط رو به پایین و پایین کار می‌کنند.

اکرکاه‌ها با فناوری پایین و متوسط رو به پایین مجبور به محصول تولیـد می‌کننـد، ویژه قیمت بالای تمام‌شـده تولید اثر می‌کذارد؟

قطعا اثر می‌کذارد. سـامسـونک برای بنام‌بریزی و تعیین مسـیر حرکت، ارائه اسـت اقتصاد مقیاس داشته باشـد. کلاسـیک‌ها، مصرف دارد کـه این شـرکت روی تحقیق و توسـعه کارکند. دولت هم اکرچه قوانیـن ضدانحصار می‌کذارد، اما از ایـن مقیاس‌ها نیز حمایت می‌کند. زیرا می‌داند اکر این برندها حمایت نشـوند، کشـور ما کره می‌تواند پیشـرفت کند. بیش‌تر اصطـلاح پروانه بهره‌برداری را به کار بردم. هـر دوپروانه بهره‌برداری تولید یک‌کان مانیـس‌آلات از سـوی واحد تولیدی به مرحله تولید انبوه رسـیده اسـت. برای خرید و مانیس‌آلات این واحد نیازمند تأمین‌کننده انبوه رسـیده اسـت. در مثالـی که زدم، مثلا هم‌اکنون ۶۸ واحد تولید انبوه رسـیده اسـت. در مثالـی که زدم، مثلا هم‌اکنون ۶۸ واحد تولید انبوه رسـیده اسـت. در مثالـی که زدم، تمام می‌شـود. همین وضعیت در ماشین لباسـوشی، یخچال، خودرو و... هـم رخ می‌دهـد. ما در ایران ۶۸ واحد تولید کننده داریم. این تعـداد کارخانه‌ها پروانه بهره‌برداری دارند که عموم آنها متوازکارند و بدون از نفتی فقرا به تحریک اشتیاق کارآفرینان شـکل‌کیرد، اما حدود ۶۸ کرفت تحلیل و تبیین دارانـدود دانش نظری کاربردی تصمیم‌کیران اقتصادی بیش می‌آید. از این رو، بیث چنین سـیاست‌کذاری‌های غلط سـلیم و تجربه نمی‌بینم.

اکرکاه‌های خودتـان، در دوره‌هایی تصمیم‌سـازی‌های طلایی در کشور بودند است. در آن دوره‌ها، بنیان یک‌سری برندهای تجاری را کذاشـتید که به‌تدریج این برندها در حال تعطیل‌شدن هسـتند. جرا این اتفاق رخ می‌دهد؟

برندهـای ما به این دلیـل می‌میرند که در بسـیاری از دولت‌ها با بیوپولیسم روبه‌رو هاکه هستیم. بسـیاری از مسئولان اقتصادی کشور ما، اصنافا نه همه آنها، به دلیـل نداشـتن اهلیت حرفه‌ای و پیوشاندن نقشه صنعت خیلی عدی تاکیه می‌کنند و برایشـان مهم اسـت. تعداد پروانه‌های بهره‌برداری خیلی برایشـان مهم اسـت. هیچ‌کس از مسـئولان سـؤال نمی‌کند چرا کوبو با وجود این همه واحدهای تولیدی مشـابه، این‌کونه مشـکل پیدا کرده اسـت. اکر این تعداد کارخانه سـیاسـان مشـکلات ایران را حل می‌کرد، مانند معجزه‌کران شـرق آسیا، برای این کمبودهای مهلک راه‌حل‌های نانی را به کار کرفته‌اند که نتایجشان هم در مقابل مهلک راه‌حل‌ها قابل‌توجه بوده است. **جـرا فعـال بخش خصوصی بررسـی دقیـق نکرده‌اند تـا در صنایع اشـباع‌شـده، سرمایه‌کذاری جدید انجام نشود؟**

وقتی دولت‌ها راهبرد نداشـته باشـند و داده‌های شفاف را برای جامعه فراهم نمی‌کننـد، حتما در بین فعالان اقتصادی هم آدم‌های غیراهلـی در صف قرار می‌کیرند و همانی اتفـاق می‌افتد که ریچارد بندیک تحلیل کرده است.

یعنی تمام مشکلات به دلیل یک‌سری تحصیل‌کرده ناکارآمد در کشور اتفاق می‌افتد؟

ما کرفتار فقر شـدید نظری کاربردی هسـتیم. به آن ممکن‌بودن ذخیره‌سـازی دانش ضمنی را نیز اضافه کنیم. ایـن عوامل و نانوایی اقتصادی دولت‌ها و فعالان اقتصادی همه با هم شرایط پیچیده‌ای را به وجود می‌آورند. تجربه کشورهای موسوم به معجزه‌کر شرق آسیا درس‌های فراوانی برای ما دارد.

وضعیت صـدور مجوز در بخش‌های مختلـف صنعتی چکونه اسـت؟

در سـال ۱۳۳۴ شمسـی، شـش دارو‌سـازی در ایران وجود داشت. در سـال ۱۳۳۸، ۲۰ دارو‌سـازی و درحال‌حاضر ۱۶۰ دارو‌سـازی در کشور وجود دارد. اما کشور سوئیس سـه یا چهار دارو‌سازی دارد. آلمان ۱۰۰ تا ۱۲ دارو‌سازی دارد. با وجود این همه دارو‌سازی باید در جهان مطـرح می‌بودیم؛ ولی چرا هنوز مصارف خارج هسـتیم. به کمانم ما هم مونوانتاژنده هستیم. بیش‌ترین مشـکل‌مان هم بیوپرسـی‌هایی که کردیم. مثلا یک محصول را در ۲۱ کشـور تولید می‌کنند. درحال‌حاضر ما در بخش ناکارآمدی در تصمیم‌کیری‌های اقتصادی، چه در دولت‌ها و چه در مجلس‌ها. اتفاقات ناخوشایند دیکری هم رخ می‌دهد. در بخش‌های مختلف صنعتـی، کشـاورزی و حتی خدماتـی با چنین موارد زمان‌برانکیزی مواجه هستیم. مثلا اخیرن برورزسـانی واردات صسـت در ۱۱ مهـر ۱۳۹۶ شـان می‌دهد ۲۵۳ دارو با ارزیابی به‌هزینه‌بردی ۸۷ بندرکاه و بزرکراه‌سـازی‌اش در تصمیم‌کیرانهای تولیدی بهره وارد بوند. بزرکراه‌ها هیچ وقت شـکست نخورده و به پروژه‌های شـکست‌خورده بدل نمی‌شود و ارتجایی‌که محصولا محفوظ و نکهداری هم نمی‌شوند. می‌توان آنها را دوباره و چندباره سـاخت و ازاپیـرو موجودی کالاها در بیاری هزینه‌کرد‌ی وجود دولتی بوده و به طور کلی مسـتلزم هیچ بسـیکی نبوده اسـت و در عموم موارد حتی یک مقدار حداقلی تلاش فکری و ذهنی هم نبذ ارایه نمی‌دهد. مفهوم آن این اسـت که ما دولت کرد اکر بدون هرکونه رودربایسـتی به طور مثال بر مبنای اهمیت توسـعه‌ای اسـت - به پـروژه در طرح‌های از نوع ابـرراه‌ها- پس از مدتی طولانی به فواید تولیدی تولید کلاما می‌انجامد... درحالی‌که صادرات نفتی اثات مانند بود. روی‌کرد‌ها‌ی تولید انتقاد خواهند کرد. بعدازتریب کشورهایی توسـعه یافتند که دولت‌های آنها زیسـک‌بدیر بوده و در اقتصاد پیرو عقل سلیم و خرد جمعی نخبکان جامعه بوده‌اند.

شـواهد دهه‌هـای اخیر ایران را نیـز دیده‌ایم که مثـلا اکر محصول خودرو خراب تولید شـود، به دولت انتقاد می‌کننـد. درحالی‌که عموم نقش‌یوی تولید